

بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک بر ارتقاء سطح هوش هیجانی در کودکان ۷-۱۲ ساله شهر تهران

هلیا طایفه مهدی خان^۱

حسن احدی^{۲*}

مسعود دلخواه^۳

هادی بهرامی^۴

فریبرز باقری^۵

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی تئاتر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر ارتقاء هوش هیجانی در کودکان ۷-۱۲ ساله شهر تهران است. روش: روش پژوهش حاضر، تجربی و طرح مورد استفاده در این پژوهش طرح پیش آزمون - پس آزمون دو گروهی است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه کودکان ۷-۱۲ ساله ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. گروه نمونه مشتمل بر ۴۰ کودک (۲۰ پسر و ۲۰ دختر) است که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و به تصادف در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. شرکت کنندگان گروه آموزش در ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای آموزش هوش هیجانی با تئاتر پداگوژیک شرکت کردند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه هوش هیجانی کودکان و نوجوانان شات است که روایی و پایایی این ابزار در پژوهش های متعددی مورد تأیید قرار گرفته است. یافته ها: داده های پژوهش با استفاده از تحلیل کوواریانس و با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. نتایج تحلیل آماری نشان داد روش تئاتر پداگوژیک با اندازه اثر ۰/۶۲ میزان هوش هیجانی کودکان را افزایش می دهد ($P < ۰/۰۵$). نتیجه گیری: تئاتر پداگوژیک باعث ارتقاء هوش هیجانی کودکان می شود.

کلید واژه ها: تئاتر پداگوژیک، هوش هیجانی، کودکان.

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران helia_opera@yahoo.com

۲. استاد گروه روان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ahadiat.ac.ir

۳. دکترای تئاتر درمانی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران masouddelkhah@yahoo.com

۴. استاد گروه روان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران prof.bahrami114@gmail.com

۵. استاد گروه روان شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران f.bagheri@srbiau.ac.ir

پیشگفتار

مفاهیم هوش^۱ و هیجان^۲، از نظر بسیاری از مکاتب سنتی روانشناسی دو مفهوم نامربوط به هم تصور می‌شدند و در مقابل هم قرار می‌گرفتند (مک کان، جوزف، نیومن و رابرتز^۳، ۲۰۱۴). مفهوم هوش طبق دیدگاه سنتی عمدتاً به عنوان یک مفهوم تک بعدی و به معنی توانایی تفکر انتزاعی و توانایی‌های شناختی تعریف شده است و هیجان‌ها هم یک سری پاسخ‌های سازمان نیافته و آشفته به محرک‌ها پنداشته می‌شدند. اما با پیدایش سازه هوش هیجانی^۴ در اوایل دهه ۱۹۹۰؛ نسبت به هیجان‌ها دیدگاهی مثبت به وجود آمد و در این زمینه پژوهش‌های زیادی انجام گرفت (پتر ایداز^۵ و فازنهام^۶، ۲۰۰۳).

تعداد و دامنه برنامه‌های مداخله‌ای به منظور آموزش هوش هیجانی در حال افزایش است و در محیط‌های مختلف به کار گرفته می‌شود و از طریق افزایش توان کنترل و تقویت راهبردهای رویارویی کارآمد به افراد و بویژه کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا هوش هیجانی شان را بهبود ببخشند (شهنی و اژه‌ای، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش‌ها (محمودعلیلو، هاشمی نصرت آباد و فرشباف مانی صفت، ۱۳۹۴؛ جنگی، شیرآبادی، جانی و پوراسمعیلی، ۱۳۹۴؛ عطاری، شفیق آبادی و سلیمی، ۱۳۹۰) نشان می‌دهد که هنر و هنردرمانی از جمله روش‌هایی است که بر کاهش اختلالات اضطرابی کودکان تأثیرگذار است و استفاده از روش تئاتر آموزشی (پداگوژیک) در بسیاری از زمینه‌های آموزشی یادگیرندگان در فرآیند یادگیری مؤثر است (اردم زنگین^۷، ۲۰۱۴؛ سور^۸، ۲۰۱۰؛ اوتکور^۹، ۲۰۱۲) و به عنوان اسلحه‌ای نیرومند برای رشد قدرت آفرینندگی در کودکان و

1. intelligence
 2. emotion
 3. MacCann, Joseph, Newman & Roberts
 4. Emotional intelligence
 5. Petrides
 6. Furnham
 7. Erdem Zengin
 8. Sever
 9. Ütkür

نوجوانان، توسط پژوهش‌های بسیاری مورد توجه و تأیید قرار گرفته است (ذکریایی، سیف نراقی، شریعتمداری و نادری، ۱۳۸۷).

امروزه پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه تئاتر، طی چند دهه اخیر به وجه کاربردی تئاتر تأکید داشته‌اند و از این طریق توانسته‌اند تئاتر را وارد حوزه‌های آموزشی کرده و نظریه‌ها و الگوهای را پیشنهاد دهند تا بر نارسایی‌ها و کاستی‌های تعلیم و تربیت، بویژه در کودکان و نوجوانان چیره شوند (دارلینگ-هاموند^۱، ۲۰۱۶).

تئاتر پداگوژیا^۲ اصطلاحی است که در زبان آلمانی کاربرد دارد و به آن دسته از نمایش‌هایی اطلاق می‌شود که روند تمرینات و تأثیرات آن روی شرکت‌کنندگان مهم‌ترین ویژگی آن است و اجرای محصول نهایی هدف آن است. شرکت‌کنندگان در این تئاتر را گروه‌های مختلف اجتماعی مانند کودکان، سالخوردگان، جوانان و زندانیان مهاجران و غیره تشکیل می‌دهند (فلر و کمرلی^۳، ۲۰۱۷). موضوع انتخابی برای تمرینات را نیازها و دغدغه‌های گروه هدف^۴ تشکیل می‌دهد و این انتخاب با مشارکت همه شرکت‌کنندگان و با صلاحدید پداگوگ^۵ صورت می‌پذیرد (اماستا و کاپل^۶، ۲۰۱۵).

شاید تنها معادلی را که بتوان جایگزین واژه پداگوژی نمود، تعلیم و تربیت باشد. اما تعلیم و تربیت معادل مناسبی برای واژه پداگوژی نیست زیرا هدف از تئاتر پداگوژی فقط تعلیم و تربیت نیست. به ناگزیر تئاتر پداگوژی به تئاتر تعلیم و تربیت ترجمه شده، چرا که هنوز معادل دقیقی که بتواند گستردگی این مفهوم را منتقل کند و گویای کامل تئاتر پداگوژی را داشته باشد وجود ندارد (فخری، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است در زبان انگلیسی این اصطلاح تحت عناوین "Educational Theater ، Drama Education" نیز کاربرد دارد.

1. Darling-Hammond
2. Pedagogy theater
3. Fleer & Kamaralli

۴. منظور از گروه هدف گروهی است که متخصص تئاتر تعلیم و تربیت به آنها بر اساس نیازها و توانمندی‌هایشان مفهومی را در قالب نمایش آموزش می‌دهد.

۵. پداگوگ عنوانی است که در زبان آلمانی آنرا برای متخصص تئاتر پداگوژی (تئاتر تعلیم و تربیت) به کار می‌برند.

6. Omast & Chappell

این تئاتر به انسان‌ها کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را کشف کنند. انسان‌ها از طریق تئاتر پداگوژی به یک سری شناخت‌ها و کشف‌ها دست پیدا می‌کنند و از این طریق آموزش صورت می‌پذیرد (هریس^۱، ۲۰۱۶). از مرور تاریخچه "تئاتر پداگوژی" می‌شود این گونه برداشت کرد که "تئاتر با بچه‌ها و "تئاتر برای بچه‌ها" هر دو جزء منابعیست که در بررسی کارکرد "تئاتر پداگوژی" اهمیت بسزایی دارد. هرچند که هدف اصلی در این تئاتر کاملاً با «تئاتر با بچه‌ها» و «تئاتر برای بچه‌ها» متفاوت است (باقری، ۱۳۸۹).

تئاتر پداگوژی در درجه اول یک کار فرهنگی - هنری است و در مرحله بعد وظیفه‌اش کار بر روی شخصیت افراد است تا خود را بشناسند و پرورش دهند و در جامعه نمود پیدا کنند. تئاتر پداگوژی یک گفتگوی دو جانبه است. یک پداگوژیست باید گروهی فکر کند. او باید دیدی انتقادی نسبت به گروهش و کار گروهش داشته باشد و با داشتن تسلط کافی بر مشکلاتی که ممکن است در طول تمرین یا اجرا پیش بیاید آگاه باشد. یک پداگوژیست در ارتباط با کودکان باید توانایی ارائه بازی‌های کودکانه رانیز داشته باشد تا بتواند با آنها وارد بازی شود. کار او در ارتباط با زیبایی‌شناسی و پرورش زیبایی‌شناسی است. او باید از آموخته‌های بازیگری و کارگردانی بهره‌گیرد. درضمن بر نوع رفتارش با گروه هدف آگاه باشد. او باید با شناخت کافی از گروه، نحوه برخورد با آنها را مشخص کند و چگونگی رسیدن به هدف را طبق حساسیت‌های گروه برنامه‌ریزی کند تا هم ارتباطی صحیح و انسانی شکل بگیرد و هم گروه او را با شور و انرژی همراه کند. هدف اصلی تئاتر پداگوژی، انسان‌ها هستند نه هنر تئاتر. در واقع دو اصل مهم در تئاتر پداگوژی، انسان‌ها و برقراری ارتباط بین انسان‌هاست. یکی از تفاوت‌های این نوع تئاتر با تئاتر معمول در این است که تئاتر پداگوژی خارج از منافع مادی یا سیاسی شکل می‌گیرد و اینکه آنها بر پایه دو مفهوم تعلیم و تربیت، گروه‌های هدف را انتخاب کرده و در رشد آنها و کسب رضایت افراد گروه هدف از زندگی تلاش می‌کنند. در کارگاه‌هایی که پداگوژیست‌ها برگزار می‌کنند تمرکز بر روی

1. Harris

تمرین‌های دسته جمعی است. آنها افراد را به خلق شخصیت‌های مختلف تشویق می‌کنند تا بتوانند از طریق آن با دیگران وارد کنش و واکنش شوند و در ادامه بتوانند به صورت دسته جمعی به فضایی مشترک دست یابند. آنها سعی می‌کنند که افراد بتوانند بدون استفاده از کلام با همدیگر ارتباط برقرار کنند. تئاتر پداگوژی با از بین بردن مرزهای شخصی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطی انسانی شکل می‌دهد. در واقع تئاتر پداگوژی با بهره‌گیری از صدا، بدن و احساسات مشترک بشری؛ در پی ایجاد زبانی مشترک بین آدمهاست (دارابی-پور، ۱۳۹۱).

برشت^۱ (۲۰۱۱) اعتقاد داشت که وجه مهم تئاتر، همان ساحت بیدارکننده و تعلیم دهنده آن است که با تکیه بر آن می‌توان به تعلیم و تربیت پرداخت. بر این اساس تماشاگران را مخاطب اصلی خود می‌دانست و نه آنان که صرفاً برای لذت و سرگرمی به تئاتر آمده بودند. در حقیقت برشت از تماشاگر می‌خواست تا درباره آن چه که روی صحنه می‌بیند فکر کند، آن را ارزیابی کرده و درباره‌اش تصمیم بگیرند و سپس بیرون رفته و شرایط نامطلوب را تغییر دهند (هولتن^۲، ۲۰۱۳). بر این اساس لندی^۳ (۲۰۱۲) معتقد است که بسیاری از معلمان کارکشته حتی بدون آشنایی با فن درام از روش‌های نمایشی در آموزش بهره می‌گیرند. در حقیقت هر زمان که معلمین از روش‌های گفتاری به سمت و سوی اعمال نمایشی حرکت کنند به نوعی وارد قلمروی آموزش نمایش می‌شوند. نمایش تعلیمی-تربیتی مسیری رو به رشد را بویژه در کشورهای صاحب نام در تئاتر، پیموده و بیشتر مخاطبان خود را در رده سنی کودکان و نوجوانان می‌یابد. از جمله موضوعاتی که می‌تواند در تئاتر پداگوژیک مورد توجه قرار گیرد تأثیر این گونه تئاتر بر ارتقاء سطح هوش هیجانی در کودکان است (فریمبرگر^۴، ۲۰۱۶). بنابر دیدگاه بار - آن^۵ (۱۹۹۷) هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌ها،

1. Beresht
2. Holtan
3. Landi
4. Frimberger
5. Bar-on

کفایت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی که توانایی فرد را برای موفقیت در مقابله با فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد که می‌توان آن را آموزش داد و فرا گرفت. در این راستا شواهد زیادی ثابت می‌کنند افرادی که مهارت هیجانی دارند؛ یعنی احساسات خود را به خوبی می‌شناسند و هدایت می‌کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طور اثربخشی با آن برخورد می‌کنند در هر حیطه‌ای از زندگی ممتازند خواه در روابط عاطفی و صمیمانه باشد و خواه در فهم قواعد ناگفته‌ای که در خط مشی سازمانی به پیشرفت می‌انجامند. آنها در زندگی خویش خرسند و کارآمدند و عادات فکری را در اختیار دارند که موجب می‌گردد آنها افرادی مولد و کارآمد باشند (گلمن، ۱۹۹۵). از سویی باید بر تفاوت‌های تئاتر کودکان و تئاتر تعلیمی - تربیتی برای کودکان تأکید کرد؛ زیرا تئاتر کودکان در واقع همان وجه زیباشناسانه و سرگرم تئاتر را مد نظر قرار می‌دهد در حالی که تئاتر تعلیمی - تربیتی برای کودکان افزون بر وجوه ذکر شده بر وجه کاربردی و تعاملی تئاتر تأکید دارد (لندبرگ^۱، ۲۰۱۶).

نتیجه پژوهش جعفری (۱۳۸۹) نشان داد که نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش دبستانی مؤثر است. پژوهش یعقوبی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که فن بارش فکری بر خلاقیت دانش آموزان مقطع متوسطه تاثیر بیشتری نسبت به سایر فنون آموزش خلاقیت دارد. با توجه به انعطاف و وسعت مقوله تئاتر پداگوژی و اعتبار نتایج مثبت این مفهوم در امر تعلیم و تربیت، جهت گیری‌های نو و تازه ای از حوزه های متفاوت فکری مشاهده می‌شود (دارابی پور، ۱۳۹۱).

چنین به نظر می‌رسد از طریق بازیابی شیوه‌های کاربردی تئاتر تعلیمی - تربیتی می‌توان به کسب مهارت‌هایی چون حل مسأله و تصمیم گیری، تفکر خلاق و انتقادی، روابط بین فردی، خودآگاهی، همدلی و مهارت‌های مقابله با استرس در مدارس کشور، بویژه مقطع

1. Lundberg

حساس دبستان، که هم زمان با شکل‌گیری شخصیت و رشد تفکر شناختی کودک است، دست یافت و از این طریق به میزان زیادی از آسیب‌های روانی اجتماعی پیشگیری کرد. لذا در این پژوهش، مسأله اصلی این است که تاثر پداگوژیک قادر به ارتقای سطح هوش هیجانی است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، تجربی و طرح مورد استفاده در این پژوهش طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون دو گروهی است.

گروه	جایگزینی تصادفی	پیش‌آزمون	متغیر مستقل	پس‌آزمون
آزمایش اول	R	T1	X	T2
گواه	R	T1	-----	T2

شکل ۱. دیاگرام طرح پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش عبارت از کلیه کودکان ۷-۱۲ ساله ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. گروه نمونه مشتمل بر ۴۰ کودک (۲۰ پسر و ۲۰ دختر) است. در این پژوهش، در مرحله اول نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای انجام گرفت به طوری که ابتدا مناطق شهر تهران به پنج ناحیه شمال - جنوب - شرق - غرب و مرکزی تقسیم‌بندی شده و نمونه‌گیری در هر ناحیه بطور تصادفی در بین مدارس ابتدایی دخترانه و پسرانه انجام گرفت. در هر ناحیه یک مدرسه ابتدایی پسرانه و یک مدرسه ابتدایی دخترانه انتخاب شد (جمعاً ۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه) و از بین آنها در پایه تحصیلی اول تا ششم ابتدایی تعدادی دانش‌آموز بصورت تصادفی ساده انتخاب و در دو گروه آزمایشی و گواه تقسیم‌بندی شدند. در این پژوهش تعداد ۲۰ دانش‌آموز پسر و ۲۰ دانش‌آموز دختر در نمونه آماری قرار

گرفتند. و از این تعداد دانش آموز (۱۰ نفر پسر و ۱۰ نفر دختر) در گروه آزمایشی و (۱۰ نفر پسر و ۱۰ نفر دختر) نیز در گروه گواه قرار گرفتند. افراد گروه آزمایش مطابق با پکیج طراحی شده تئاتر پداگوژی در ۱۲ جلسه ی ۹۰ دقیقه ای برای افزایش سطح هوش هیجانی آموزش دیدند.

خلاصه محتوی جلسات تئاتر پداگوژیک (بازی های نمایشی مرتبط با ارتقای هوش هیجانی):

جلسه اول: چه کسی؟ (تمرینات رفتاری)

جلسه دوم: چه کسی؟ (تمرین حالات روحی)

جلسه سوم: شما همان چیزی هستید که انجام می دهید؛

جلسه چهارم: آرامش و اعتماد؛

جلسه پنجم: جزئی از کل، یک رابطه؛

جلسه ششم: خرس قهرمان برای یاری می آید؛

جلسه هفتم: من می توانم احساساتم را با دیگران در میان بگذارم؛

جلسه هشتم: خرس قهرمان برای حل مسائل به من کمک می کند؛

جلسه نهم: من برای بهتر انجام دادن کارم، از سخنان کمک کار استفاده می کنم؛

جلسه دهم: بله من می توانم، برای این که فکر می کنم می توانم؛

جلسه یازدهم: خود آگاهی: ابراز احساسات؛

جلسه دوازدهم: خود آگاهی: نمایش احساسات؛

در جلسات مداخله تلاش شد خودشان بتوانند به بازی بپردازند و هدف دیگر ایجاد خودباوری در بچه ها نسبت به تئاتر بود. کودکان؛ زیبایی شناسی مخصوص، نگاه، برداشت و تجربه خودشان از اجتماع را دارند. زمانی که این بچه ها به روی صحنه می آیند برداشت زیبایی شناسی خودشان را از طریق صحنه به بچه های دیگر منتقل می کنند. همچنین در طی جلسات تلاش شد فرصت هایی را در اختیار کودکان قرار دهیم تا مستقیماً درباره آزرده گی ها

و رنجش‌هایی که متحمل شده اند حرف بزنند. شنیدن حرف‌های کودکان دیگر به بچه کمک می‌کند که بر شرم و احساسات منفی دیگری که در او شکل گرفته غلبه کند. نقش‌های نمایانگر احساسات شناخته شده و احساساتی که قرار است شناخته شوند نام-گذاری شد و بچه‌ها می‌توانستند در یافتن نقش‌هایی که می‌خواهند در موردشان حرف بزنند کاملاً خلاق عمل کنند. هدف اصلی کار تئاتر تعلیم و تربیت با بچه‌ها این است که خودشان را بشناسند، پرورش دهند، آگاهانه به خواسته‌هایشان فکر کنند و آنها را فرم تئاتر تغییر دهند. در این مرحله است که تئاتر تعلیم و تربیت تأثیر خود را می‌گذارد و کودکان وارد مرحله رشد جدیدی می‌شوند.

ابزار پژوهش شامل پرسشنامه هوش هیجانی کودکان و نوجوانان شات است. این پرسشنامه توسط شات و همکاران در سال ۱۹۹۸ براساس مدل نظری هوش هیجانی سالووی و مایر (۱۹۹۰) و برای سنجش هوش هیجانی کودکان و نوجوانان ساخته شده است. شات و همکاران با استفاده از تحلیل عامل و تحلیل مؤلفه‌های اصلی پاسخ ۳۱۶ آزمودنی به ۶۲ ماده و مقیاسی که بر مبنای این مدل ساخته بودند چهار عامل به دست آوردند. پرسشنامه حاضر شامل ۳۳ ماده و دارای ارزش ویژه ۱۰/۷۹ بود. ۳۳ ماده‌ای که در پرسشنامه قرار گرفتند نشان دهنده مدل مفهومی سالووی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی بودند. برای نمره‌گذاری پرسشنامه از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده می‌شود. بررسی دهنامز و همکاران (۱۹۹۴) بر روی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله پایایی کلی این پرسشنامه را ۰/۸۴ نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

میزان هوش هیجانی در جدول ۱ به تفکیک پیش آزمون و پس آزمون در گروه‌های آزمایشی و گروه گواه ارائه شده است. همچنان که ملاحظه می‌شود میانگین گروه‌های آزمایش در مرحله پس آزمون، نسبت به پیش آزمون افزایش نشان می‌دهد. بر اساس نتایج

مندرج در جدول، می توان به این نتیجه رسید که تاثیر پداگوژیک نسبت به گروه گواه باعث افزایش هوش هیجانی کودکان شده است.

جدول ۱. میزان هوش هیجانی به تفکیک مرحله سنجش در گروه‌ها

عوامل	شاخص آماری	پیش آزمون	پس آزمون
گروه تاثیر پداگوژیک	تعداد	۲۰	۲۰
	میانگین	۱۱۷/۸۵	۱۲۹/۱۰
	انحراف استاندارد	۵/۲۷	۵/۲۹
گروه گواه	تعداد	۲۰	۲۰
	میانگین	۱۱۶/۹۰	۱۱۹/۱۵
	انحراف استاندارد	۵/۱۴	۵/۷۷

جهت بررسی فرضیات پژوهش، ابتدا مفروضات روش تحلیل کواریانس "استقلال مشاهدات، نرمال بودن توزیع متغیر وابسته، همگنی واریانس‌ها و همگنی شیب‌های رگرسیون" در گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفتند و با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که شرط استقلال آزمودنی‌ها برقرار است؛ زیرا پاسخ‌های آزمودنی‌ها به سؤالات تحت تاثیر آزمودنی‌های دیگر نبود و سطح معناداری به دست آمده هریک از متغیرهای پژوهش که بزرگتر از ۰/۰۵ است.

جدول ۲. آزمون کولموگروف اسمیرنوف تک نمونه‌ای

متغیرها شاخص	هوش هیجانی
Z	۱/۰۸
P	۰/۱۸
سطح معناداری	۰/۰۵

برای بررسی مفروضه همگنی واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ذکر گردیده است.

جدول ۳. آزمون F لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها در گروه‌های گواه و آزمایش

متغیرها شاخص	هوش هیجانی
درجه آزادی ۱	۱
درجه آزادی ۲	۳۸
F	۲/۶۸
سطح معناداری	۰/۱۱

همان گونه که مشاهده می‌شود فرض تساوی واریانس‌ها برای متغیر برقرار است ($P > 0/05$). همگنی شیب‌های رگرسیون بدین معنی است که ضریب رگرسیون متغیر وابسته از روی متغیرهای همپراش در گروه‌ها یکسان باشد. برای بررسی این مفروضه از آزمون تحلیل واریانس (آزمون F) استفاده شد.

جدول ۴. آزمون تحلیل واریانس برای بررسی یکسانی ضرایب رگرسیون

شاخص آماری متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
گروه * هوش هیجانی	۲/۷۱	۱	۰/۱۷	۰/۶۸

همان گونه که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد با توجه به ضرایب F محاسبه شده برای تعامل گروه و پیش آزمون در هیچ یک از گروه‌ها معنادار نیست ($P > 0/05$). در نتیجه تفاوت معناداری میان ضرایب رگرسیون بین متغیر وابسته و همپراش در دو گروه مشاهده نمی‌شود و فرض همگنی ضرایب رگرسیون در گروه‌های آزمایش و گواه برای متغیر برقرار است.

جدول ۵. آزمون تحلیل کوواریانس

شاخص آماری متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
پیش آزمون	۱۸۲/۶۰	۱	۱۱/۷۳	۰/۰۰۲	۰/۲۴	۰/۹۹
گروه	۹۳۳/۰۳	۱	۵۹/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۰/۹۹
خطا	۵۷۵/۷۵	۳۷				
کل	۱۷۴۸/۳۷	۳۹				

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد با حذف تأثیر متغیر پیش آزمون و با توجه به ضریب F محاسبه شده، مشاهده می‌شود که بین میانگین‌های تعدیل شده نمرات شرکت‌کنندگان بر حسب عضویت گروهی «آزمایش و گواه» در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری مشاهده می‌شود ($P < 0/05$). بنابراین با توجه به میانگین‌های اصلاح شده در نمودار ۱ و نتایج جدول ۵ نتیجه گرفته می‌شود که فرض صفر رد شده و تأثیر پداگوژیک در شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی به نسبت گروه گواه، تأثیر بیشتری بر ارتقاء هوش هیجانی در کودکان ۷-۱۲ سال داشته است. میزان این تأثیر «معنادار بودن عملی» ۰/۶۲ بوده است؛ یعنی ۶۲ درصد کل واریانس یا تفاوت‌های فردی در ارتقاء هوش هیجانی در کودکان ۷-۱۲ سال مربوط به تأثیر پداگوژیک بوده است. به علاوه توان بالای آزمون آماری در پژوهش حاضر بیانگر این نکته است که با احتمال ۹۹ درصد فرض صفر به درستی رد شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی اثربخشی تأثیر پداگوژیک (تعلیم و تربیتی) بر ارتقاء هوش هیجانی در کودکان ۷-۱۲ ساله شهر تهران انجام شد. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های

پژوهش نشان داد که تئاتر پداگوژیک تأثیر بیشتری بر ارتقاء هوش هیجانی در بین شرکت کنندگان گروه آزمایشی نسبت به گروه گواه داشته است.

در تبیین یافته‌های پژوهش باید گفت که، ایفای نقش به کودک این امکان را می‌دهد که بسیاری از مسائل زندگی حقیقی را به صورت واقع‌نما انجام دهد و در ضمن ایفای نقش بیاموزد که چگونه در بین جمع زندگی کند و چه ضوابطی را برای زندگی در نظر بگیرد. تأثیر سازنده نمایش به حدی است که امروزه از آن به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی بسیار مؤثر در تعلیم و تربیت معاصر یاد می‌شود (آکرونکو و آکرونکو^۱، ۲۰۱۱؛ به نقل از قاسم تبار و همکاران، ۱۳۹۱). نتایج این پژوهش مطابق با نتایج به دست آمده از پژوهش سلسی اوغلو دمیروزوز^۲ (۲۰۱۰) است. همچنین نتایج پژوهش اورمانسی^۳ (۲۰۱۱)، مشخص ساخت که تئاتر پداگوژیک در افزایش انگیزه یادگیرندگان مؤثر است. ییلماز^۴ (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی نشان داد که این نوع آموزش در افزایش مهارت‌های همدلی دانش‌آموزان مؤثر است. نتایج پژوهش یوساکل^۵ (۲۰۰۶) نیز بیاگر آن است که هدایت و آموزش گروهی مبتنی بر تئاتر در افزایش سطح اعتماد به نفس مؤثر است اما بر افزایش عزت نفس تأثیری ندارد.

نتایج برخی تحقیقات نیز اثربخشی نمایش خلاق را بر خودپنداشت و حرمت خود (کونارد و آشر^۶، ۲۰۰۰)؛ تحول اجتماعی کودکان (قاسم تبار و همکاران، ۱۳۹۱)؛ خلاقیت کودکان (عبدی و پویامنش، ۱۳۹۴؛ عسگری، احمدی، سلطانی و یلفانی، ۱۳۹۳)؛ مورد تأیید قرار داده‌اند. تووانن، کومولاینن، رویسماکی^۷ (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی تدریس از طریق نمایش خلاق و تمرین‌های نمایشی و بداهه مانند بازی‌های کلامی خود به خودی،

1. Acrocco & Acronco
2. Selçioğlu Demirsöz
3. Ormanci
4. Yılmaz
5. Uşakl
6. Conard & Asher
7. Toivanen, Komulainen & Ruismaki

نقش بازی کردن و حرکت فیزیکی در اعتماد به نفس و ارتباط غنی مورد بررسی و تأیید قرار داد.

کاریمان^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه ای که بر روی معلمان پایه سوم انجام داد مشخص نمود که هرچند که تئاتر پداگوژیک روش خوبی در آموزش است اما نیازمند آماده سازی و آموزش است و نمی توان آن را برای هر موضوعی به کار برد.

در تبیین این یافته‌های پژوهش می توان گفت دنیای کودکان سرشار از کنجکاوی است. کودک نگاه سرد و باورپذیری عمیقی نسبت به جهان پیرامون خود دارد. با توجه به خصلت‌های کودکان، تئاتر تعلیم و تربیت به عنوان یک ابزار سودمند وارد شده و سبب تقویت نیروی تفکر و اندیشه شده و باعث می شود احساس و خلاقیت کودکان شکوفاتر شود. کودکان سرشار از تخیل خلاق هستند. آنها برای هر یک از وسایل خود موارد استفاده فراوانی پیدا می کنند. برای مثال یک تکه چوب ساده می تواند برای آنها یک ماشین، خانه، عروسک، گج، صندلی و یا ... را جلوه گر سازد. باورپذیری آنها نسبت به تخیلشان آنقدر قوی است که ساعت‌ها می توانند با آن وسیله سرگرم شوند و لذت ببرند. نگاه کودکان آنقدر ساده و بی پیرایه است که باعث می شود بال‌های آنها بی هیچ مانعی، دروازه‌های تخیل را یکی پس از دیگری در نوردند. کودکان در پروسه تمرینات تئاتر تعلیم و تربیت می توانند فکر کنند، تخیل کنند، باور کنند، بازی کنند و آداب کار گروهی و ارتباط جمعی را بیاموزند و در یک فضای دوستانه که سرشار از بازی‌های شاد است با همسالان خود ارتباط برقرار کنند و مشارکت و همکاری را تجربه کنند. تئاتر پداگوژی (تعلیم و تربیت)، راهی است که امکان بهتر زیستن را برای سطوح مختلف اجتماعی فراهم می کند؛ زیرا از همه آن چیزهایی بهره می گیرد که یا به صورت بالقوه در همه انسان‌ها از دیرباز تا امروز وجود داشته و دارد و یا مطابق با توانایی‌ها و امکانات گروهی که با آن سر و کار دارد به سمت هدف نهایی خود حرکت می کند.

1. Kahrیمان

این تئاتر ابرازی است که باعث می‌شود توانایی‌های کودکان شکوفا شده و حس اعتماد به نفس در آن‌ها بیشتر و بیشتر شود. تخیل و باورپذیری که در کودکان بسیار ناب و خالص هستند همان چیزهایی هستند که هنرپیشگان در تئاترهای حرفه‌ای بسیار تلاش می‌کنند تا بدان‌ها دست یابند و یا آنها را در وجود خویش تقویت نمایند.

یکی از فرم‌های سنتی تئاتر تعلیم و تربیت به کودکان برمی‌گردد. در اروپا سعی می‌کنند که از کودکان بین سن‌های ۱-۳ ساله در تئاتر تعلیم و تربیت استقبال کنند. در آلمان تئاتری وجود دارد که مربوط به بچه‌هایی است که می‌خواهند زود به تکامل برسند. هدف این تئاتر این است که بچه‌ها را خیلی جلوتر از دبستان و کودکستان آموزش بدهند و آنها را برای آموزش‌ها بعدی آماده کنند. آموزش تئاتر پداگوژیک تأثیر مثبتی بر اکتساب و توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، شناختی و ادراک فرد دارد (آلتینتاس^۱، ۲۰۱۰؛ کاریمان^۲، ۲۰۱۴). کودکان ضمن نقش‌هایی که بازی می‌کنند فرصت‌های بسیاری به دست می‌آورند تا بتوانند احساسات خود را به طور مستقیم تعبیر و بیان کنند. مهم‌ترین ارزش بازی نمایش خلاق در این است که فرصت خوبی برای رشد و تکامل و تعبیر عواطف فراهم می‌کند.

همسو با این یافته، نیکلسون (۲۰۰۹) در کتاب خود هدف تئاتر کاربردی را در رابطه با هوش هیجانی (EQ) استفاده از هنر نمایش برای به بهبود زندگی افراد و ساختن جامعه‌ای بهتر و تأکید بر فعال بودن و درگیر شدن در خلق تئاتر به جای انفعال و مصرف‌گرایی غیر انتقاد می‌داند و از مشارکت کنندگان دعوت شد تا به لحاظ جسمی و عاطفی خود را درگیر اثر کرده و به جای بی‌تفاوتی و انفعال، فرآیند کار کردن را مجسم و با آن درگیر شوند. در مجموع باید گفت تئاتر پداگوژیک تنها سامانه آموزشی خواهد بود که در آن ضمن توجه به کلیت انسانی و انواع تفکر، مدیریت همه‌جانبه فرآیند تفکر در امر آموزش و پرورش ممکن خواهد بود (یزدانی وفا، ۱۳۹۳). در تئاتر پداگوژیک، تماشاگر هیچ گاه اطمینان نمی‌یابد چه

1. Altıntaş
2. Kahriman

چیز واقعی، اصیل، شخصی یا خیالی است. این دوگانگی منجر به پذیرش نسبی شخصیت بر صحنه می شود و باعث می گردد تا تماشاگر با عمق و دقت بیشتری به اتفاقات توجه نماید. در مقابل از تولیدکنندگان و بازیگران انتظار می رود که در اجرای خود، شیوه بازی و طراحی کار بسیار دقیق تر تجزیه و تحلیل نمایند و با این ویژگی ها در تئاتر پداگوژیک، جوی هیجان انگیز و آزمایشگاهی ایجاد می شود که اجرای یک تئاتر در مدرسه، خارج از مدرسه و همچنین در فضاهای هنرمندانه را تقویت می نماید. در تئاتر پداگوژیک کار روی متن و نقش، در اولویت قرار ندارد در حالی که تمرینات بیشتر و نوین تئاتری، بازی های آموزشی و آزمایشی گسترده تر می شود و این موارد بهره برداری از هیجانات را افزایش می دهد.

محدود بودن نمونه پژوهش، لزوم رعایت احتیاط در تعمیم دهی نتایج را مطرح می سازد. محدودیت زمانی در اجرای هر یک از جلسه های مداخله، از محدودیت دیگر پژوهش حاضر بود.

بر این اساس پیشنهاد می شود برای نمونه هایی با حجم بیشتر و در قشرها و شهرهای دیگر انجام شود تا امکان تعمیم نتایج بیشتر شود. همچنین پیشنهاد می شود چنین پژوهش هایی در یک فرآیند طولانی مدت انجام شود. به معلمان مقطع دبستان توصیه می شود برنامه نمایش پداگوژیک را در کار عملی کلاس بگنجانند؛ زیرا علاوه بر پرورش خلاقیت و افزایش هوش هیجانی، باعث بهبود عملکرد کودک و همچنین برون ریزی می شود. همچنین توصیه می شود مسئولین آموزشی و خصوصاً صدا و سیما و برنامه های مربوط به کودکان، با ساخت برنامه هایی در زمینه نمایش و بازی به صورت هر چه بیشتر زمینه رشد خلاقیت و هیجانی کودکان را فراهم آورند.

سپاسگزاری: این مقاله برگرفته از رساله دکتری روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند که از زحمات کلیه کسانی که ما را در اجرای این پژوهش یاری رسانده‌اند تشکر و قدردانی نمایند.

منابع

- باقری، مهلقا. (۱۳۸۹). اثر پداگوژی در آموزش و پرورش ایران پروژه عملی: کارگردانی نمایش آهسته با گل سرخ، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته کارگردانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری، مریم (۱۳۸۹). تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی. فصل‌نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۱(۱)، ۹۹-۱۱۱.
- جنگی، شهلا. شیرآبادی، علی اکبر. جانی، ستاره. اسمعلی، اصغر پور. (۱۳۹۴). اثربخشی هنردرمانی بر پایه نقاشی درمانی در کاهش اضطراب کودکان دچار لکنت زبان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ۲۳(۲)، ۵۳-۶۰.
- دارابی پور، الهام. (۱۳۹۱). تبیین مبانی فلسفی تئاتر پداگوژی و ارائه راهکارهایی برای آموزش و پرورش ایران. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه تربیت مدرس.
- ذکریایی، منیژه؛ سیف نراقی، مریم؛ شریعتمداری، علی؛ نادری، عزت‌الله. (۱۳۸۷). بررسی اثر اجرای برنامه درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر پایه چهارم مقطع ابتدایی منطقه ۵ شهر تهران. پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ۴(۱۶)، ۱۹-۵۲.
- شهنی، منیژه؛ ازه‌ای، جواد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه کیفیت دلبستگی و هوش هیجانی - در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. مجله روانشناسی. ۲(۳۰)، ۱۸۴-۱۷۵.
- عبدی قشلاق، فتنه؛ پویامنش، جعفر. (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی نمایش خلاق بر خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.

عسگری، محمد؛ طهور، احمدی؛ سلطانی، محسن؛ یلفانی، ناهید. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش نمایش خلاق بر خلاقیت دانش آموزان پیش دبستانی شهر همدان. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۳(۴)، ۳۵-۵۴.

عطاری، بهناز؛ شفیع آبادی، عبدالله؛ سلیمی، حسین. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش هنر نقاشی بر کاهش میزان اضطراب دانش آموزان پسر ابتدایی. *فرهنگ مشاوره*، ۲(۸)، ۶۴-۷۴.

فخری، افسانه. (۱۳۹۲). *نمایش درمانی و تاثیر آن بر کودکان و نوجوانان*. تهران: آزمون نوین.
قاسم تبار، سیدنبی اله؛ الهویردی یانی، خلیل؛ حاجی تبار، محسن؛ محمدجانی، هیوا؛ خسروی، فرزاد. (۱۳۹۱). تاثیر نمایش خلاق بر تحول اجتماعی کودکان پیش دبستانی. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۸(۳)، ۴۰۵-۴۱۳.

گلمن، دانیل. (۱۳۹۵). *هوش هیجانی*. ترجمه نسرین پارسا (۱۳۹۵). تهران: رشد.
محمودعلیلو، مجید. هاشمی نصرت آباد، تورج. فرشلاف مانی صفت، فرناز. (۱۳۹۴). اثربخشی بازی درمانی بر اساس رویکرد لوی در کاهش اضطراب کودکان سرطانی. *نشریه پرستاری و مامایی جامع نگر*، ۲۵(۷۵)، ۵۴-۶۲.

یزدانی وفا، راضیه. (۱۳۹۳). بررسی نقش تئاتر پداگوژیک در تحقق تغییر مسیر آموزش و پرورش از آموزش اندیشه ها به آموزش اندیشیدن، *کنفرانس بین المللی مهندسی، هنر و محیط زیست، کشور لهستان*، از سایت: https://www.civilica.com/Paper-CEAE01-CEAE01_147.html

یعقوبی، ابوالقاسم؛ محقق، حسین؛ عرفانی، نصرالله؛ مرتضوی، سیدعلی (۱۳۹۰). *مقایسه اثربخشی فنون مختلف آموزش تفکر خلاق بر خلاقیت دانش آموزان پایه اول دوره متوسطه، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*. سال دوم، ۱(۲)، ۱۳۳-۱۵۰.

Altıntaş, H. (2010). *The effect of drama orientation training program prepared for the processing of texts in primary school 4th grade Turkish textbooks to achieve the desired behaviors*. Sakarya University Educational Sciences Institute, Sakarya.

Bar-on, R. (1997). *Bar.on Emotional Quotien Inventory*. Technical manual. Toronto: multi-Health System, Inc.

- Conard, F.; & Asher, J. W. (2000). Self-concept and self-esteem through drama: A meta-analysis. *Youth Theatre Journal*, 14, 78-84.
- Darling-Hammond, L. (2016). Research on Teaching and Teacher Education and Its Influences on Policy and Practice. *Educational Researcher*, 45(2), 24-28.
- Denham S, Renwick-DeBardi S, Hewes S (1994). Emotional communication between mothers and preschoolers: Relations with emotional competence. *Merrill-Palmer Quarterly*; 40: 488-508.
- Erdem Zengin, E. (2014). *The use of creative drama as a method is influenced by the values in the elementary school 4th grade social studies curriculum*. Niğde University Educational Sciences Institute, Niğde.
- Fleer, M., Kamaralli, A. (2017). Cultural Development of the Child in Role-Play: Drama Pedagogy and Its Potential Contribution to Early Childhood Education. *Multidisciplinary Perspectives on Play from Birth and Beyond*, 18, 111-128.
- Frimberger, K. (2016). A Brechtian theatre pedagogy for intercultural education research. *Language and Intercultural Communication*, 16(2), 130-147.
- Harris, A. (2016). Why theatre matters: urban youth, engagement, and a pedagogy of the real. *Journal of Applied Theatre and Performance*, 21(2), 272-275.
- Houltan, J. (2013), the future of value creation and innovations: Aspects of a theory of value creation and innovation in a global knowledge economy. *International Journal Information Management*, 30(6), 432-451.
- Kahriman, M. (2014). *Primary school third life lesson course is based on the drama method of my unique story-related subjects, the influence of the students on communication, empathy skills and value perceptions*. Mustafa Kemal University Social Sciences Institute, Hatay.
- Lundberg, A. (2016). Beyond the Gaze. Translations as a Norm-Critical Praxis in Theatre for Children and Young. *Nordic Theatre Studies*, 28(1), 94-104.
- MacCann, C., Joseph, D. L., Newman, D. A., Roberts, R. D. (2014). Emotional intelligence is a second-stratum factor of intelligence:

- Evidence from hierarchical and bifactor models. *Emotion*, 14(2), 358-374.
- Omasta, M., and Chappell, D. (2015). Theatre Education in the Academy: Major Impacts of Minor Differences. *Theatre Topics*, 25(3), 185-197.
- Ormanç1, Ü. (2011). *Elementary science and technology lesson 6th grade the effect of the drama method on the student achievement, attitude and motivation in the teaching of the system unit in our body*, Celal Bayar University Educational Sciences Institute, Manisa.
- Petrides, K., & Furnham, A. (2003). On the dimensional structure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 29, 313–320.
- Selçioğlu Demirsöz, E. (2010). *Creative drama's influence on teacher candidates' democratic attitudes, supernatural awareness and emotional intelligence*. Dokuz Eylül University Educational Sciences Institute, İzmir.
- Sever, Ö. (2010). *Elementary school music class 3 is the effect of creative drama in acquiring musical creativity learning field achievements*. Abant İzzet.
- Toivanen, T.; Komulainen, K.; Ruismaki, H. (2011). Drama education and improvisation as a resource of teacher student's creativity. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 12, 60-69.
- Uşaklı, H. (2006). *Drama-based group guidance is the primary school. Friendship associations of class students, assertiveness level and self-esteem effect*. Dokuz Eylül University Educational Sciences Institute, İzmir.
- Ütkür, N. (2012). *An examination of the effect of using creative drama method in Life Science lessons on students' achievement and attitudes*. Unpublished Master's Thesis, Istanbul University, Istanbul.
- Yılmaz, S. (2012). *Impact of social skills, empathic skills and academic achievement levels of students teaching with drama method in social studies lessons*. Ataturk University Educational Sciences Institute, Erzurum.